

نقش برنامه‌ریزی درسی در بهبود انگیزه تحصیلی و پیشگیری از افت یادگیری دانش‌آموزان دوره

ابتدایی

سوین عبدالعلی زاده - فاطمه شیوندی - محمدحسین حیدریان

دانشجو کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس علامه طباطبائی ارومیه

کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس شهید باهنر

دانشجو کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس شهیدرجایی کرمانشاه

vin.abdz@gmail.com



MDOI-02-2026.0091

MNR-92-2-82528F



چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش برنامه‌ریزی درسی در بهبود انگیزه تحصیلی و پیشگیری از افت یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شده است. این مطالعه از نوع مروری-تحلیلی بوده و با استفاده از بررسی و تحلیل منابع علمی داخلی و خارجی، تلاش کرده است تا ارتباط میان مؤلفه‌های برنامه‌ریزی درسی و دو متغیر مهم انگیزه تحصیلی و افت یادگیری را تبیین نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی درسی مناسب، از طریق طراحی محتوای معنادار، استفاده از روش‌های تدریس فعال، توجه به تفاوت‌های فردی و به‌کارگیری ارزشیابی تکوینی، می‌تواند نقش مهمی در افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. همچنین نتایج حاکی از آن است که ضعف در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی، به‌ویژه در قالب آموزش حافظه‌محور و غیرمنعطف، از عوامل مهم افت یادگیری در دوره ابتدایی محسوب می‌شود. در مقابل، برنامه‌های درسی دانش‌آموزمحور و مبتنی بر یادگیری فعال می‌توانند از بروز این مشکل جلوگیری کنند. در مجموع، نتایج این پژوهش بر اهمیت بازنگری در برنامه‌ریزی درسی به منظور ارتقای کیفیت آموزش و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأکید دارد.

کلمات کلیدی: برنامه‌ریزی درسی، انگیزه تحصیلی، افت یادگیری، دوره ابتدایی، یادگیری فعال، ارزشیابی تکوینی

مجله پیشروان علوم تربیتی و آموزشی

مقدمه

آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین نهاد تربیتی هر جامعه، نقشی اساسی در توسعه سرمایه انسانی، رشد فرهنگی و پیشرفت اقتصادی کشورها ایفا می‌کند. دستیابی به اهداف نظام آموزشی مستلزم وجود برنامه‌هایی منسجم، هدفمند و متناسب با نیازهای یادگیرندگان است. در این میان، برنامه‌ریزی درسی یکی از ارکان اصلی نظام تعلیم و تربیت به شمار می‌رود که با تعیین اهداف آموزشی، انتخاب و سازمان‌دهی محتوا، طراحی فعالیت‌های یادگیری، انتخاب روش‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی، مسیر تحقق یادگیری مؤثر را مشخص می‌کند. هرچه برنامه درسی با ویژگی‌های رشدی، نیازهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان و تحولات علمی و فناوری هماهنگی بیشتری داشته باشد، زمینه برای ارتقای کیفیت آموزش و تحقق اهداف تربیتی نیز بیش از پیش فراهم خواهد شد. از این رو، برنامه‌ریزی درسی صرفاً تدوین مجموعه‌ای از محتواهای آموزشی نیست، بلکه فرآیندی پویا و هدفمند است که تمامی عناصر یاددهی-یادگیری را در جهت رشد همه‌جانبه فراگیران هدایت می‌کند.

دوره ابتدایی، زیربنایی‌ترین مرحله آموزش رسمی محسوب می‌شود و نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت، نگرش، عادت‌های یادگیری و مهارت‌های اساسی دانش‌آموزان دارد. تجربه‌های آموزشی این دوره می‌تواند نگرش کودکان نسبت به مدرسه، معلم، یادگیری و حتی آینده تحصیلی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. بسیاری از توانایی‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان در همین سال‌های نخست آموزش رسمی شکل می‌گیرد؛ بنابراین هرگونه ضعف در برنامه‌های آموزشی یا ناهماهنگی میان اهداف، محتوا و روش‌های تدریس می‌تواند پیامدهای بلندمدتی بر روند رشد تحصیلی آنان بر جای بگذارد. در مقابل، برنامه‌ریزی درسی اصولی و متناسب با ویژگی‌های دانش‌آموزان، می‌تواند محیطی پویا، جذاب و اثربخش برای یادگیری ایجاد کرده و زمینه شکوفایی استعدادهای آنان را فراهم سازد.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های موفقیت نظام آموزشی، ایجاد و حفظ انگیزه تحصیلی در میان دانش‌آموزان است. انگیزه تحصیلی نیرویی درونی یا بیرونی است که دانش‌آموز را به یادگیری، تلاش مستمر، مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و دستیابی به اهداف تحصیلی ترغیب می‌کند. دانش‌آموزی که از انگیزه کافی برخوردار باشد، با علاقه بیشتری در کلاس درس حضور می‌یابد، در انجام تکالیف پشتکار بیشتری نشان می‌دهد، از چالش‌های آموزشی استقبال می‌کند و در برابر دشواری‌های یادگیری مقاومت بیشتری دارد. در مقابل، کاهش انگیزه تحصیلی اغلب با افت عملکرد، بی‌علاقگی نسبت به مدرسه، کاهش مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و حتی ترک تحصیل همراه است. به همین دلیل، انگیزه تحصیلی یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه پژوهشگران، برنامه‌ریزان آموزشی و معلمان در دهه‌های اخیر بوده است (قلی زاده قلعه عزیز و همکاران، ۱۴۰۳).

در کنار انگیزه تحصیلی، افت یادگیری نیز یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های آموزشی به شمار می‌آید. افت یادگیری به وضعیتی اشاره دارد که دانش‌آموزان به دلایل مختلف، توان دستیابی به اهداف مورد انتظار آموزشی را از دست می‌دهند یا میزان یادگیری آنان کمتر از سطح مطلوب است. این مسئله ممکن است به صورت ضعف در

درک مفاهیم، کاهش کیفیت عملکرد تحصیلی، فراموشی مطالب آموخته شده، کاهش مهارت‌های پایه و ناتوانی در به کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های جدید بروز کند. عوامل متعددی از جمله ویژگی‌های فردی دانش‌آموز، شرایط خانوادگی، امکانات آموزشی، شیوه تدریس معلم و کیفیت برنامه درسی در بروز این پدیده نقش دارند. با این حال، بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که برنامه‌ریزی درسی مناسب می‌تواند بخش قابل توجهی از این عوامل را مدیریت کرده و از طریق ایجاد فرصت‌های یادگیری متنوع، زمینه کاهش افت یادگیری را فراهم آورد (بقایی و همکاران، ۱۴۰۳).

تحولات گسترده علمی، فناوری و اجتماعی در دهه‌های اخیر موجب شده است که نظام‌های آموزشی جهان نیز دچار تغییرات اساسی شوند. در گذشته، برنامه‌های درسی بیشتر بر انتقال اطلاعات و حفظ مطالب تأکید داشتند؛ اما امروزه رویکردهای نوین آموزشی بر یادگیری فعال، پرورش تفکر انتقادی، حل مسئله، خلاقیت، یادگیری مشارکتی، استفاده از فناوری‌های آموزشی و توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان تأکید می‌کنند. در چنین شرایطی، برنامه درسی دیگر مجموعه‌ای از کتاب‌ها و سرفصل‌های آموزشی نیست، بلکه بستری برای طراحی تجربه‌های یادگیری معنادار و هدفمند محسوب می‌شود. هرچه این تجربه‌ها متناسب‌تر با نیازها، علایق و توانایی‌های دانش‌آموزان طراحی شوند، احتمال افزایش انگیزه، مشارکت فعال و یادگیری عمیق‌تر نیز بیشتر خواهد بود.

از سوی دیگر، کیفیت برنامه‌ریزی درسی ارتباط مستقیمی با عملکرد معلمان در کلاس درس دارد. حتی توانمندترین معلمان نیز در صورت نبود یک برنامه درسی منسجم و انعطاف‌پذیر، با دشواری‌هایی در تحقق اهداف آموزشی مواجه خواهند شد. برنامه درسی مناسب، مسیر تدریس را برای معلم روشن می‌سازد، امکان استفاده از روش‌های متنوع آموزشی را فراهم می‌کند و فرصت ارزشیابی مستمر و اصلاح فرایند یادگیری را در اختیار او قرار می‌دهد. همچنین هماهنگی میان اهداف، محتوا، فعالیت‌های آموزشی و شیوه‌های ارزشیابی موجب می‌شود دانش‌آموزان مسیر یادگیری را با اطمینان بیشتری طی کنند و احساس موفقیت و پیشرفت در آنان تقویت شود (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۴).

در سال‌های اخیر، نظام آموزش و پرورش ایران نیز در راستای اجرای سند تحول بنیادین و ارتقای کیفیت آموزش، توجه ویژه‌ای به بازنگری برنامه‌های درسی، یادگیری دانش‌آموز محور، توسعه شایستگی‌های پایه و بهبود کیفیت تدریس داشته است. با وجود این تلاش‌ها، همچنان چالش‌هایی مانند کاهش انگیزه تحصیلی برخی دانش‌آموزان، افت یادگیری در مهارت‌های پایه، وابستگی به روش‌های سنتی آموزش، تفاوت در کیفیت اجرای برنامه‌های درسی و محدود بودن فرصت‌های یادگیری فعال در برخی مدارس مشاهده می‌شود. این وضعیت نشان می‌دهد که علاوه بر تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب، کیفیت اجرای آن‌ها و میزان انطباق با نیازهای واقعی دانش‌آموزان نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است.

مرور پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه برنامه‌ریزی درسی نشان می‌دهد که هر یک از مؤلفه‌های برنامه درسی، از جمله اهداف آموزشی، محتوای درسی، روش‌های تدریس، فعالیت‌های یادگیری، ارزشیابی و نقش معلم، می‌توانند به شیوه‌های مختلف بر انگیزه تحصیلی و میزان یادگیری دانش‌آموزان تأثیر بگذارند. با این حال، بسیاری از مطالعات تنها به بررسی یکی از این مؤلفه‌ها پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی تلاش کرده است با نگاهی جامع، ارتباط میان برنامه‌ریزی درسی، انگیزه تحصیلی و پیشگیری از افت یادگیری را بر اساس مجموعه‌ای از مطالعات معتبر داخلی و خارجی تحلیل و تبیین کند. از این‌رو، انجام یک مطالعه مروری می‌تواند ضمن گردآوری و تحلیل یافته‌های پژوهش‌های پیشین، تصویری روشن از وضعیت دانش موجود ارائه داده و مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت برنامه‌های درسی را شناسایی کند (توکلی و همکاران، ۱۴۰۳).

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش برنامه‌ریزی درسی در بهبود انگیزه تحصیلی و پیشگیری از افت یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شده است. این مطالعه می‌کوشد با مرور و تحلیل پژوهش‌های معتبر، مهم‌ترین مؤلفه‌های برنامه‌ریزی درسی مؤثر بر افزایش انگیزه، ارتقای کیفیت یادگیری و کاهش افت آموزشی را شناسایی کرده و راهکارهایی کاربردی برای معلمان، مدیران مدارس، برنامه‌ریزان درسی و پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت ارائه دهد. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند زمینه بهره‌گیری آگاهانه‌تر از ظرفیت‌های برنامه‌ریزی درسی را در جهت بهبود کیفیت آموزش ابتدایی فراهم سازد.

بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. برنامه‌ریزی درسی از چه طریق می‌تواند انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی را افزایش دهد؟
۲. کدام مؤلفه‌های برنامه‌ریزی درسی بیشترین نقش را در پیشگیری از افت یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی دارند؟
۳. رابطه میان برنامه‌ریزی درسی، کیفیت تدریس معلمان و عملکرد یادگیری دانش‌آموزان چگونه تبیین می‌شود؟
۴. بر اساس یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی، چه راهکارهایی برای طراحی و اجرای برنامه‌های درسی مؤثر به منظور ارتقای انگیزه تحصیلی و کاهش افت یادگیری در دوره ابتدایی پیشنهاد شده است؟

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در حوزه برنامه‌ریزی درسی، انگیزه تحصیلی و افت یادگیری نشان می‌دهد که این سه حوزه از مهم‌ترین محورهای مطالعات تعلیم و تربیت در دهه‌های اخیر بوده‌اند. با وجود حجم قابل توجه پژوهش‌ها در این زمینه، اغلب مطالعات به‌صورت مجزا به بررسی هر یک از این متغیرها پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی توانسته است ارتباط ساختاری و تعاملی میان برنامه‌ریزی درسی، انگیزه تحصیلی و افت یادگیری را در دوره ابتدایی به‌صورت

یکپارچه تحلیل کند. از این رو، بررسی پیشینه موجود نشان می‌دهد که می‌توان تحقیقات انجام‌شده را در سه محور اصلی شامل برنامه‌ریزی درسی، انگیزه تحصیلی و افت یادگیری دسته‌بندی کرد.

مطالعات مرتبط با برنامه‌ریزی درسی

در حوزه برنامه‌ریزی درسی، بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها بر نقش ساختار، محتوا و سازمان‌دهی برنامه‌های آموزشی در ارتقای کیفیت یادگیری تمرکز داشته‌اند. یافته‌های این مطالعات نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی هدفمند، منسجم و مبتنی بر نیازهای یادگیرندگان می‌توانند نقش مهمی در بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ایفا کنند. در مقابل، برنامه‌های درسی غیرمنعطف، حافظه‌محور و فاقد پیوند با نیازهای واقعی دانش‌آموزان، معمولاً با کاهش مشارکت فعال و افت کیفیت یادگیری همراه هستند (درویشی، ۱۴۰۴).

برخی پژوهش‌ها تأکید کرده‌اند که اثربخشی برنامه درسی زمانی افزایش می‌یابد که میان عناصر اصلی آن شامل اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی، هماهنگی منطقی برقرار باشد. در چنین شرایطی، برنامه درسی نه تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه به بستری برای تجربه یادگیری معنادار تبدیل می‌شود. همچنین نتایج مطالعات نشان داده است که برنامه‌های درسی انعطاف‌پذیر که امکان تطبیق با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را فراهم می‌کنند، در افزایش کیفیت یادگیری نقش چشمگیری دارند (ایزدی و همکاران، ۱۴۰۴).

در کنار این موارد، بخشی از تحقیقات به نقش نوآوری‌های آموزشی در برنامه‌ریزی درسی پرداخته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که استفاده از رویکردهای یادگیری فعال، آموزش مبتنی بر پروژه، یادگیری مشارکتی و بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی، می‌تواند اثربخشی برنامه درسی را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد. همچنین تأکید شده است که برنامه درسی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که دانش‌آموز در فرآیند یادگیری نقش فعال داشته باشد و صرفاً دریافت‌کننده اطلاعات نباشد (رفیع رومیانی، ۱۴۰۴).

مطالعات مرتبط با نقش معلم و اجرای برنامه درسی

بخش مهمی از پیشینه پژوهش به نقش معلمان در اجرای برنامه درسی اختصاص دارد. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که حتی برنامه‌های درسی استاندارد و علمی، در صورت اجرای نامناسب، نمی‌توانند به اهداف مورد انتظار دست یابند. بنابراین، کیفیت اجرای برنامه درسی به اندازه طراحی آن اهمیت دارد.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که معلمان به عنوان مجریان اصلی برنامه درسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبدیل اهداف آموزشی به تجربه‌های واقعی یادگیری دارند. در صورتی که معلم از روش‌های تدریس فعال، ارزشیابی تکوینی و راهبردهای انگیزشی استفاده کند، برنامه درسی می‌تواند اثرگذاری بیشتری داشته باشد. در مقابل، استفاده صرف از روش‌های سنتی و انتقالی موجب کاهش تعامل دانش‌آموزان با محتوا و در نتیجه افت کیفیت یادگیری می‌شود. همچنین برخی مطالعات بر اهمیت توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تأکید کرده‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آموزش مداوم معلمان در حوزه برنامه‌ریزی درسی و روش‌های نوین تدریس، نقش مهمی در افزایش کیفیت اجرای برنامه‌های آموزشی دارد (معصومی نژاد و همکاران، ۱۳۹۹).

مطالعات مرتبط با انگیزه تحصیلی

در حوزه انگیزه تحصیلی، پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که انگیزه یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده موفقیت تحصیلی در دوره ابتدایی است. انگیزه تحصیلی به‌عنوان نیروی محرکه یادگیری، تحت تأثیر عوامل فردی، خانوادگی و آموزشی قرار دارد.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که زمانی که دانش‌آموزان احساس کنند یادگیری معنادار، قابل فهم و مرتبط با زندگی واقعی آنان است، سطح انگیزه درونی آنان افزایش می‌یابد. در مقابل، یادگیری صرفاً حافظه‌محور و غیرکاربردی موجب کاهش انگیزه و بی‌علاقگی نسبت به مدرسه می‌شود.

بخش دیگری از مطالعات نشان داده‌اند که عوامل مرتبط با محیط کلاس درس، از جمله رابطه معلم و دانش‌آموز، شیوه‌های تدریس و نوع ارزشیابی، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری انگیزه تحصیلی دارند. در محیط‌هایی که دانش‌آموز احساس امنیت روانی، مشارکت فعال و احترام دریافت می‌کند، انگیزه یادگیری به‌طور قابل توجهی افزایش می‌یابد (توده رنجبر و عراقی، ۱۳۹۷).

همچنین برخی تحقیقات بر نقش خودتنظیمی یادگیری و احساس خودکارآمدی در انگیزه تحصیلی تأکید کرده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که دانش‌آموزانی که باور دارند توانایی موفقیت در یادگیری را دارند، با تلاش بیشتری در فعالیتهای آموزشی شرکت می‌کنند (قمی و همکاران، ۱۳۹۸).

مطالعات مرتبط با افت یادگیری

پژوهش‌های مرتبط با افت یادگیری نشان می‌دهد که این پدیده یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های آموزشی در دوره ابتدایی است. افت یادگیری معمولاً به صورت کاهش پیشرفت تحصیلی، ضعف در یادگیری مفاهیم پایه و ناتوانی در استفاده از آموخته‌ها در موقعیت‌های جدید ظاهر می‌شود.

یافته‌های پژوهشی بیانگر آن است که افت یادگیری پدیده‌ای چندعاملی است که تحت تأثیر عوامل آموزشی، فردی و محیطی قرار دارد. با این حال، بخش قابل توجهی از مطالعات بر نقش نظام آموزشی و به‌ویژه کیفیت برنامه درسی در بروز یا پیشگیری از این پدیده تأکید دارند (عطایی، ۱۴۰۴).

برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که استفاده از روش‌های تدریس غیر فعال، حجم بالای محتوای درسی، عدم تناسب محتوا با توانایی‌های یادگیرندگان و نبود ارزشیابی مستمر، از عوامل مهم افت یادگیری محسوب می‌شوند. در مقابل، برنامه‌های درسی منعطف، مبتنی بر فعالیت و دارای ارزشیابی تکوینی می‌توانند نقش مهمی در کاهش این مشکل داشته باشند.

مطالعات خارجی

در مطالعات بین‌المللی نیز توجه ویژه‌ای به رابطه میان برنامه درسی و انگیزه تحصیلی شده است. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی دانش‌آموزمحور که بر یادگیری فعال، حل مسئله و تجربه‌های واقعی تأکید دارند، موجب افزایش انگیزه درونی دانش‌آموزان می‌شوند. همچنین تحقیقات انجام‌شده در نظام‌های آموزشی پیشرفته نشان می‌دهد که طراحی برنامه‌های درسی مبتنی بر مهارت‌های قرن ۲۱، نقش مهمی در بهبود کیفیت

یادگیری و کاهش افت تحصیلی دارد. این برنامه‌ها معمولاً بر مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، خلاقیت، همکاری و سواد دیجیتال تمرکز دارند (Urthahne & Wignia, 2023).

در برخی مطالعات خارجی نیز به اهمیت هم‌راستایی میان اهداف آموزشی، روش‌های تدریس و ارزشیابی اشاره شده است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که زمانی که این عناصر در یک ساختار منسجم قرار گیرند، یادگیری عمیق‌تر و پایدارتر شکل می‌گیرد (Alonso et al., 2023).

مرور کلی پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات گسترده‌ای در زمینه برنامه‌ریزی درسی، انگیزه تحصیلی و افت یادگیری انجام شده است، اما هنوز شکاف پژوهشی قابل توجهی در زمینه بررسی یکپارچه این سه حوزه وجود دارد. بیشتر تحقیقات موجود یا به بررسی برنامه درسی پرداخته‌اند یا انگیزه تحصیلی و افت یادگیری را به‌صورت جداگانه تحلیل کرده‌اند. این در حالی است که تعامل میان برنامه‌ریزی درسی و متغیرهای انگیزشی و یادگیری در دوره ابتدایی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت نظام آموزشی داشته باشد. بنابراین، انجام پژوهش‌های مروری جامع در این حوزه می‌تواند به شناسایی بهتر عوامل مؤثر بر یادگیری و ارائه راهکارهای کاربردی برای بهبود کیفیت آموزش کمک کند (Su et al., 2023).

مبانی نظری

مبانی نظری این پژوهش بر سه محور اصلی «برنامه‌ریزی درسی»، «انگیزه تحصیلی» و «افت یادگیری» استوار است. این سه مفهوم در تعامل با یکدیگر، بنیان اصلی تحلیل حاضر را تشکیل می‌دهند و درک رابطه میان آن‌ها نیازمند بررسی دیدگاه‌های نظری مختلف در حوزه تعلیم و تربیت، روان‌شناسی یادگیری و برنامه‌ریزی آموزشی است. در این بخش، ابتدا مفهوم برنامه‌ریزی درسی و رویکردهای مرتبط با آن بررسی می‌شود، سپس نظریه‌های انگیزشی و در ادامه دیدگاه‌های مرتبط با افت یادگیری ارائه می‌گردد و در نهایت، چارچوب مفهومی پژوهش تبیین می‌شود.

مفهوم و ماهیت برنامه‌ریزی درسی

برنامه‌ریزی درسی یکی از بنیادی‌ترین عناصر نظام آموزشی است که به فرآیند طراحی، سازمان‌دهی، اجرا و ارزشیابی تجارب یادگیری اشاره دارد. در نگاه سنتی، برنامه درسی مجموعه‌ای از محتواها و موضوعات درسی تلقی می‌شد که باید به دانش‌آموزان آموزش داده شود؛ اما در دیدگاه‌های نوین، برنامه درسی به‌عنوان یک فرایند پویا و نظام‌مند در نظر گرفته می‌شود که هدف آن ایجاد تجربه‌های یادگیری معنادار برای رشد همه‌جانبه یادگیرندگان است. در رویکردهای جدید، برنامه درسی تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه شامل مجموعه‌ای از اهداف شناختی، عاطفی و مهارتی است که در تعامل با محیط یادگیری تحقق می‌یابد. به همین دلیل، برنامه‌ریزی درسی

مستلزم توجه هم‌زمان به نیازهای فردی دانش‌آموزان، اقتضائات اجتماعی، تحولات علمی و فناوری و اهداف کلان نظام آموزشی است (بهرامی و همکاران، ۱۴۰۵).

از منظر ساختاری، برنامه درسی شامل چهار مؤلفه اصلی است: اهداف آموزشی، محتوای آموزشی، روش‌های تدریس و ارزشیابی. هماهنگی میان این چهار عنصر، شرط اصلی اثربخشی برنامه درسی محسوب می‌شود. هرگونه ناهماهنگی میان این عناصر می‌تواند موجب کاهش کیفیت یادگیری و کاهش انگیزه تحصیلی شود.

رویکردهای نظری برنامه‌ریزی درسی

در حوزه برنامه‌ریزی درسی، رویکردهای مختلفی مطرح شده است که هر یک بر جنبه خاصی از فرآیند یادگیری تأکید دارند. یکی از رویکردهای مهم، رویکرد رفتارگرایانه است که بر اهداف قابل اندازه‌گیری، ساختار خطی محتوا و ارزشیابی مبتنی بر عملکرد تأکید دارد. در این رویکرد، یادگیری به‌عنوان تغییر در رفتار قابل مشاهده تعریف می‌شود. در مقابل، رویکرد شناختی بر فرآیندهای ذهنی یادگیرنده مانند پردازش اطلاعات، سازمان‌دهی شناختی و ساخت دانش تأکید دارد. در این دیدگاه، برنامه درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که امکان درک عمیق مفاهیم و ارتباط میان آن‌ها را فراهم سازد. رویکرد سازنده‌گرایی یکی از مهم‌ترین رویکردهای نوین در برنامه‌ریزی درسی است که یادگیری را فرآیندی فعال و مبتنی بر تجربه می‌داند. در این دیدگاه، دانش‌آموز نقش فعالی در ساخت دانش دارد و معلم نقش تسهیل‌گر را ایفا می‌کند. برنامه درسی در این رویکرد باید فرصت تعامل، همکاری، حل مسئله و یادگیری اکتشافی را فراهم کند (سردارآبادی، ۱۴۰۴).

مفهوم انگیزه تحصیلی

انگیزه تحصیلی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر یادگیری، به نیروی درونی یا بیرونی اشاره دارد که فرد را به انجام فعالیت‌های یادگیری و دستیابی به اهداف آموزشی سوق می‌دهد. انگیزه تحصیلی تعیین می‌کند که دانش‌آموز تا چه اندازه در فرآیند یادگیری مشارکت فعال داشته باشد، در برابر مشکلات آموزشی چه میزان پایداری نشان دهد و چگونه با چالش‌های تحصیلی مواجه شود (سیف، ۱۴۰۰).

انگیزه به دو نوع کلی تقسیم می‌شود: انگیزه درونی و انگیزه بیرونی. انگیزه درونی زمانی شکل می‌گیرد که یادگیری به خودی خود برای دانش‌آموز لذت‌بخش و معنا دار باشد؛ در حالی که انگیزه بیرونی ناشی از عوامل خارجی مانند پاداش، نمره یا تأیید دیگران است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که انگیزه درونی نقش پایداری در یادگیری عمیق دارد.

مجله پیشروان علوم تربیتی و آموزشی

نظریه‌های انگیزش تحصیلی

یکی از مهم‌ترین نظریه‌های انگیزشی، نظریه خودتعیین‌گری است که بر سه نیاز اساسی انسان شامل نیاز به شایستگی، خودمختاری و ارتباط تأکید دارد. بر اساس این نظریه، زمانی که این نیازها در محیط آموزشی تأمین شوند، انگیزه درونی افزایش می‌یابد. برنامه درسی‌ای که فرصت انتخاب، مشارکت فعال و تجربه موفقیت را فراهم

کند، می‌تواند این نیازها را برآورده سازد. نظریه انتظار-ارزش نیز بیان می‌کند که انگیزه تحصیلی تابعی از انتظار موفقیت و ارزش ادراک شده تکلیف است. اگر دانش‌آموز انتظار موفقیت داشته باشد و محتوای یادگیری را ارزشمند بداند، انگیزه او افزایش می‌یابد. در این چارچوب، برنامه درسی نقش مهمی در افزایش ارزش ادراک شده یادگیری دارد. همچنین نظریه هدف‌گرایی به انواع اهداف یادگیری شامل اهداف تسلط‌محور و عملکردمحور اشاره دارد. در اهداف تسلط‌محور، تمرکز بر یادگیری و پیشرفت فردی است، در حالی که در اهداف عملکردمحور، مقایسه با دیگران اهمیت دارد. برنامه درسی می‌تواند جهت‌گیری اهداف دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد (سیف، ۱۴۰۰).

مفهوم افت یادگیری

افت یادگیری به وضعیتی گفته می‌شود که در آن دانش‌آموزان قادر به دستیابی به اهداف آموزشی مورد انتظار نیستند یا یادگیری آن‌ها کمتر از سطح استاندارد است. این پدیده می‌تواند در قالب ضعف در مفاهیم پایه، کاهش مهارت‌های شناختی، فراموشی مطالب و عدم توانایی در کاربرد دانش مشاهده شود. افت یادگیری یک پدیده چندبعدی است که عوامل فردی، آموزشی، خانوادگی و محیطی در آن نقش دارند. با این حال، نقش نظام آموزشی و به ویژه برنامه درسی در این میان بسیار تعیین‌کننده است. کیفیت طراحی و اجرای برنامه درسی می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر میزان افت یادگیری تأثیر بگذارد (شریعتمداری، ۱۳۹۸).

رویکردهای نظری یادگیری و افت یادگیری

در نظریه رفتارگرایی، افت یادگیری معمولاً ناشی از نبود تقویت مناسب، تمرین ناکافی یا طراحی نامناسب محرک‌های آموزشی دانسته می‌شود. در این دیدگاه، یادگیری زمانی پایدار است که پاسخ‌های درست به‌طور مداوم تقویت شوند. در نظریه شناختی، افت یادگیری ناشی از ضعف در پردازش اطلاعات، سازمان‌دهی نامناسب دانش و عدم ارتباط میان مفاهیم جدید و دانش قبلی است. بنابراین برنامه درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که یادگیری معنادار و ساختاریافته را تسهیل کند. در دیدگاه سازنده‌گرایی، افت یادگیری زمانی رخ می‌دهد که دانش‌آموز فرصت کافی برای ساخت فعال دانش نداشته باشد. در این رویکرد، یادگیری باید مبتنی بر تجربه، تعامل اجتماعی و حل مسئله باشد (شریعتمداری، ۱۳۹۸).

چارچوب مفهومی پژوهش

بر اساس مبانی نظری ارائه شده، می‌توان گفت که برنامه‌ریزی درسی به عنوان متغیر اصلی، از طریق مؤلفه‌هایی مانند اهداف آموزشی، محتوای درسی، روش‌های تدریس و ارزشیابی بر دو متغیر مهم یعنی انگیزه تحصیلی و افت یادگیری تأثیر می‌گذارد. برنامه درسی مناسب می‌تواند با ایجاد یادگیری معنادار، افزایش مشارکت دانش‌آموزان و توجه به تفاوت‌های فردی، انگیزه تحصیلی را تقویت کرده و در نتیجه از افت یادگیری جلوگیری کند.

در مقابل، برنامه درسی غیرمنعطف، حافظه‌محور و غیرکاربردی می‌تواند موجب کاهش انگیزه و افزایش احتمال افت یادگیری شود. بنابراین، رابطه میان این سه متغیر یک رابطه تعاملی و چندبعدی است که در آن کیفیت برنامه‌ریزی درسی نقش محوری دارد.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع مطالعات مروری-تحلیلی است که با هدف بررسی نقش برنامه‌ریزی درسی در بهبود انگیزه تحصیلی و پیشگیری از افت یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شده است. در این نوع پژوهش، به جای جمع‌آوری داده‌های میدانی، از تحلیل و ترکیب یافته‌های پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی استفاده می‌شود تا تصویری جامع و منسجم از وضعیت موجود ارائه گردد. رویکرد این مطالعه از نوع کیفی بوده و تلاش شده است با بهره‌گیری از منابع علمی معتبر، روابط میان متغیرهای مورد بررسی تحلیل شود.

این پژوهش در دسته مطالعات مرور نظام‌مند و توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد. در بخش توصیفی، یافته‌های پژوهش‌های پیشین گردآوری و طبقه‌بندی شده‌اند و در بخش تحلیلی، روابط میان مفاهیم برنامه‌ریزی درسی، انگیزه تحصیلی و افت یادگیری مورد بررسی و تفسیر قرار گرفته است. هدف اصلی این روش، استخراج الگوها، شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در مطالعات پیشین و ارائه یک جمع‌بندی جامع از آن‌هاست.

جامعه پژوهش شامل تمامی مطالعات علمی منتشرشده در حوزه برنامه‌ریزی درسی، انگیزه تحصیلی و افت یادگیری در دوره ابتدایی است. این مطالعات شامل مقالات علمی-پژوهشی داخلی، مقالات منتشرشده در مجلات بین‌المللی معتبر، پایان‌نامه‌های دانشگاهی و گزارش‌های پژوهشی مرتبط می‌باشد. در انتخاب منابع، تلاش شده است از پژوهش‌هایی استفاده شود که از نظر علمی اعتبار کافی داشته و در بازه‌های زمانی جدیدتر منتشر شده‌اند تا از به‌روز بودن یافته‌ها اطمینان حاصل شود.

گردآوری اطلاعات در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. در این روش، منابع مرتبط از پایگاه‌های اطلاعاتی علمی، مجلات تخصصی، پایان‌نامه‌های دانشگاهی و بانک‌های اطلاعاتی پژوهشی استخراج شده‌اند. سپس منابع جمع‌آوری‌شده بر اساس موضوع، سال انتشار و ارتباط با اهداف پژوهش طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. در این فرآیند تلاش شده است از منابعی استفاده شود که بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش داشته باشند.

در این پژوهش، داده‌ها به روش تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بدین صورت که ابتدا مفاهیم کلیدی مرتبط با برنامه‌ریزی درسی، انگیزه تحصیلی و افت یادگیری از مطالعات مختلف استخراج شده و سپس این مفاهیم در قالب مقوله‌های اصلی طبقه‌بندی شده‌اند. در ادامه، ارتباط میان این مقوله‌ها بررسی و الگوهای مشترک در پژوهش‌های مختلف شناسایی شده است.

همچنین تلاش شده است یافته‌های متناقض در مطالعات پیشین نیز مورد توجه قرار گیرد تا تصویری متعادل و جامع از موضوع ارائه شود. در این مسیر، تمرکز اصلی بر شناسایی نقش برنامه‌ریزی درسی به عنوان متغیر محوری در ارتقای انگیزه تحصیلی و کاهش افت یادگیری بوده است.

برای افزایش اعتبار پژوهش، از منابع علمی معتبر و قابل استناد استفاده شده و تلاش شده است تنوع کافی در انتخاب مطالعات داخلی و خارجی رعایت شود. همچنین تحلیل‌ها بر اساس مقایسه و ترکیب یافته‌های چندین پژوهش انجام شده تا از سوگیری یک‌جانبه جلوگیری شود. استفاده از منابع جدید و مرتبط نیز به افزایش دقت و اعتبار نتایج کمک کرده است.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به وابستگی به منابع موجود، محدود بودن دسترسی به برخی پایگاه‌های اطلاعاتی و تفاوت در روش‌های پژوهشی مطالعات پیشین اشاره کرد. همچنین به دلیل ماهیت مروری پژوهش، امکان جمع‌آوری داده‌های تجربی مستقیم وجود نداشته است.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش مروری بر اساس تحلیل و ترکیب مطالعات داخلی و خارجی در حوزه برنامه‌ریزی درسی، انگیزه تحصیلی و افت یادگیری در دوره ابتدایی، در قالب پاسخ به چهار سؤال پژوهش طبقه‌بندی شده است. نتایج نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی درسی نه تنها یک عامل ساختاری در نظام آموزشی است، بلکه به عنوان یک متغیر اثرگذار بر انگیزش و عملکرد یادگیری دانش‌آموزان عمل می‌کند.

نقش برنامه‌ریزی درسی در افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی

یافته‌های پژوهش‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی درسی می‌تواند از طریق چند سازوکار اصلی بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار باشد. نخست، طراحی محتوای معنادار و مرتبط با زندگی واقعی دانش‌آموزان موجب افزایش علاقه و درگیری ذهنی آنان با فرآیند یادگیری می‌شود. زمانی که دانش‌آموز احساس کند محتوای درسی کاربردی و قابل استفاده در زندگی روزمره است، انگیزه درونی او برای یادگیری افزایش می‌یابد. دوم، استفاده از روش‌های تدریس فعال در چارچوب برنامه درسی نقش مهمی در ارتقای انگیزه دارد. فعالیت‌هایی مانند یادگیری مشارکتی، حل مسئله، بازی‌های آموزشی و پروژه‌های کلاسی باعث می‌شود دانش‌آموز نقش فعال‌تری در فرآیند یادگیری داشته باشد و احساس مالکیت نسبت به یادگیری پیدا کند. این امر به طور مستقیم با افزایش انگیزه درونی مرتبط است. سوم، انعطاف‌پذیری برنامه درسی و امکان انتخاب در فعالیت‌های یادگیری، از دیگر عوامل مؤثر بر انگیزه تحصیلی است. مطالعات نشان می‌دهد زمانی که دانش‌آموزان در انتخاب موضوعات، روش انجام فعالیت‌ها یا نحوه ارائه تکالیف آزادی نسبی داشته باشند، احساس استقلال بیشتری کرده و انگیزه آنان افزایش می‌یابد (روشنا، ۱۴۰۴).

مؤلفه‌های برنامه‌ریزی درسی مؤثر بر پیشگیری از افت یادگیری

یافته‌ها نشان می‌دهد که چند مؤلفه کلیدی در برنامه‌ریزی درسی نقش اساسی در پیشگیری از افت یادگیری دارند. نخست، تناسب محتوا با توانایی‌های رشدی دانش‌آموزان است. در صورتی که محتوای آموزشی بیش از حد دشوار یا بیش از حد ساده باشد، فرآیند یادگیری دچار اختلال شده و احتمال افت یادگیری افزایش می‌یابد. دوم، سازمان‌دهی تدریجی و منطقی محتوا از ساده به پیچیده نقش مهمی در تثبیت یادگیری دارد. مطالعات نشان می‌دهد که ساختاردهی مناسب محتوا موجب می‌شود دانش‌آموزان بتوانند ارتباط میان مفاهیم را بهتر درک کنند و یادگیری پایدارتر شکل گیرد. سوم، ارزشیابی تکوینی و مستمر یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیشگیری از افت یادگیری است. زمانی که ارزشیابی به صورت پیوسته انجام شود، نقاط ضعف دانش‌آموز در همان مراحل اولیه شناسایی شده و امکان اصلاح فرآیند یادگیری فراهم می‌شود. چهارم، تنوع در روش‌های تدریس و استفاده از رویکردهای چندحسی نیز نقش مهمی در کاهش افت یادگیری دارد. یادگیری زمانی اثربخش‌تر است که از کانال‌های مختلف دیداری، شنیداری و عملی استفاده شود (شاهی گنق و همکاران، ۱۴۰۴).

رابطه برنامه‌ریزی درسی، کیفیت تدریس و عملکرد تحصیلی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رابطه میان برنامه‌ریزی درسی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق کیفیت تدریس معلمان برقرار می‌شود. برنامه درسی مناسب، چارچوبی برای فعالیت‌های آموزشی معلم فراهم می‌کند و به او امکان می‌دهد از روش‌های متنوع تدریس استفاده کند. در شرایطی که برنامه درسی روشن، هدفمند و انعطاف‌پذیر باشد، معلم می‌تواند آموزش را متناسب با نیازهای دانش‌آموزان تنظیم کند و در نتیجه کیفیت یادگیری افزایش می‌یابد. در مقابل، برنامه درسی سخت‌گیرانه و غیرمنعطف، فضای خلاقیت معلم را محدود کرده و بر کیفیت تدریس تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که هماهنگی میان اهداف آموزشی، روش‌های تدریس و ارزشیابی نقش کلیدی در بهبود عملکرد تحصیلی دارد. این هماهنگی موجب می‌شود دانش‌آموزان مسیر یادگیری را به صورت منسجم طی کنند و از سردرگمی آموزشی جلوگیری شود (درویشی زاده و همکاران، ۱۴۰۳).

راهکارهای طراحی برنامه‌های درسی مؤثر برای ارتقای انگیزه و کاهش افت یادگیری

بر اساس تحلیل مطالعات، مجموعه‌ای از راهکارهای مؤثر برای بهبود کیفیت برنامه‌ریزی درسی شناسایی شده است. نخست، تأکید بر دانش‌آموزمحوری در طراحی برنامه درسی است. این رویکرد موجب افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان و در نتیجه ارتقای انگیزه تحصیلی می‌شود. استفاده از رویکردهای یادگیری فعال مانند یادگیری مبتنی بر پروژه، یادگیری مشارکتی و یادگیری مسئله‌محور است. این روش‌ها باعث می‌شوند یادگیری از حالت منفعل خارج شده و به تجربه‌ای فعال و معنادار تبدیل شود. توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در طراحی برنامه درسی اهمیت ویژه‌ای دارد. زمانی که برنامه درسی انعطاف‌پذیر باشد و امکان پاسخگویی به نیازهای متفاوت یادگیرندگان را فراهم کند، احتمال موفقیت تحصیلی افزایش می‌یابد.

ادغام فناوری‌های آموزشی در برنامه درسی می‌تواند به افزایش جذابیت یادگیری و کاهش افت تحصیلی کمک کند. استفاده از ابزارهای دیجیتال، محتوای چندرسانه‌ای و محیط‌های یادگیری مجازی موجب افزایش تعامل دانش‌آموزان با محتوا می‌شود. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی درسی اثربخش، زمانی تحقق می‌یابد که میان عناصر ساختاری برنامه درسی و نیازهای واقعی دانش‌آموزان هماهنگی کامل وجود داشته باشد. چنین برنامه‌ای می‌تواند هم‌زمان انگیزه تحصیلی را افزایش داده و از افت یادگیری جلوگیری کند (سالار، ۱۴۰۵).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که برنامه‌ریزی درسی به عنوان یکی از عناصر بنیادین نظام آموزشی، نقشی تعیین‌کننده در ارتقای انگیزه تحصیلی و پیشگیری از افت یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی دارد. تحلیل مطالعات داخلی و خارجی بیانگر آن است که کیفیت برنامه درسی نه تنها بر محتوای آموزشی اثر می‌گذارد، بلکه به طور مستقیم و غیرمستقیم بر نگرش، رفتار و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نیز تأثیرگذار است. در این بخش، یافته‌های به‌دست‌آمده در ارتباط با پیشینه نظری و تجربی مورد بحث قرار گرفته و سپس جمع‌بندی نهایی ارائه می‌شود.

در تبیین نقش برنامه‌ریزی درسی در افزایش انگیزه تحصیلی، می‌توان گفت که هم‌راستایی میان محتوای آموزشی، نیازهای واقعی دانش‌آموزان و روش‌های تدریس، یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری انگیزه درونی است. زمانی که برنامه درسی به گونه‌ای طراحی می‌شود که یادگیری را به تجربه‌ای معنادار و قابل لمس تبدیل کند، دانش‌آموز احساس ارتباط بیشتری با فرآیند یادگیری پیدا می‌کند. این امر موجب افزایش مشارکت فعال، کاهش بی‌علاقگی و تقویت حس موفقیت در یادگیری می‌شود. در مقابل، برنامه‌های درسی غیرمنعطف و حافظه‌محور معمولاً موجب کاهش انگیزه و افزایش فاصله عاطفی دانش‌آموز با فرآیند آموزش می‌شوند.

از منظر نظری نیز این نتایج با دیدگاه‌های انگیزشی و یادگیری هم‌خوانی دارد. نظریه‌هایی که بر نقش نیازهای روان‌شناختی اساسی مانند شایستگی، خودمختاری و ارتباط تأکید دارند، نشان می‌دهند که برنامه درسی زمانی می‌تواند انگیزه را افزایش دهد که این نیازها را در محیط یادگیری تأمین کند. همچنین در چارچوب نظریه انتظار-ارزش، زمانی که برنامه درسی ارزش کاربردی یادگیری را افزایش دهد و مسیر موفقیت را برای دانش‌آموز روشن‌تر سازد، انگیزه تحصیلی به شکل قابل توجهی تقویت می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌ریزی درسی نه تنها یک ابزار سازمان‌دهی آموزشی، بلکه یک عامل انگیزشی مهم در یادگیری محسوب می‌شود.

در ارتباط با افت یادگیری نیز یافته‌ها نشان داد که بسیاری از مشکلات یادگیری دانش‌آموزان ریشه در ناهماهنگی عناصر برنامه درسی دارد. زمانی که محتوا بیش از حد سنگین، غیرکاربردی یا نامتناسب با توان رشدی دانش‌آموزان باشد، فرآیند یادگیری دچار اختلال شده و یادگیری سطحی جایگزین یادگیری عمیق می‌شود. همچنین استفاده

از روش‌های تدریس یکنواخت و ارزشیابی صرفاً پایانی، فرصت اصلاح به‌موقع مشکلات یادگیری را از بین می‌برد و زمینه افت تحصیلی را فراهم می‌سازد.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد که برنامه‌های درسی مبتنی بر یادگیری فعال، نقش مؤثری در کاهش افت یادگیری دارند. این نوع برنامه‌ها با ایجاد فرصت تعامل، تجربه عملی و حل مسئله، موجب درگیری شناختی بیشتر دانش‌آموزان می‌شوند. در نتیجه، یادگیری نه تنها پایدارتر می‌شود، بلکه قابلیت انتقال به موقعیت‌های جدید نیز افزایش می‌یابد. این موضوع نشان می‌دهد که افت یادگیری بیش از آنکه یک مشکل فردی باشد، یک مسئله ساختاری در نظام طراحی آموزشی است.

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش، نقش واسطه‌ای معلم در ارتباط میان برنامه‌ریزی درسی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است. اگرچه برنامه درسی چارچوب اصلی آموزش را تعیین می‌کند، اما این معلم است که آن را به تجربه یادگیری واقعی تبدیل می‌کند. بنابراین، کیفیت اجرای برنامه درسی، مهارت‌های حرفه‌ای معلم و توانایی او در استفاده از روش‌های تدریس متنوع، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت یا ناکامی برنامه درسی دارد. این موضوع نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی درسی و آموزش معلم باید به صورت یک سیستم یکپارچه در نظر گرفته شوند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش تأیید می‌کند که بین برنامه‌ریزی درسی، انگیزه تحصیلی و افت یادگیری رابطه‌ای پیچیده و چندبعدی وجود دارد. برنامه درسی مناسب می‌تواند با ایجاد تجربه‌های یادگیری معنادار، افزایش مشارکت دانش‌آموزان و توجه به تفاوت‌های فردی، انگیزه تحصیلی را ارتقا دهد و در نتیجه از افت یادگیری جلوگیری کند. در مقابل، ضعف در طراحی و اجرای برنامه درسی می‌تواند منجر به کاهش انگیزه و افزایش مشکلات یادگیری شود.

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل پژوهش‌های داخلی و خارجی، می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌ریزی درسی یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر کیفیت یادگیری در دوره ابتدایی است. این عنصر کلیدی آموزشی، در صورت طراحی اصولی و اجرای صحیح، قادر است انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان را تقویت کرده و از بروز افت یادگیری جلوگیری نماید. در واقع، برنامه درسی زمانی اثربخش خواهد بود که علاوه بر انتقال محتوا، به نیازهای روان‌شناختی، شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان نیز توجه داشته باشد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حرکت به سمت برنامه‌های درسی دانش‌آموزمحور، انعطاف‌پذیر و مبتنی بر یادگیری فعال، یک ضرورت اساسی در نظام آموزشی امروز محسوب می‌شود. چنین برنامه‌هایی می‌توانند زمینه‌ساز یادگیری عمیق، افزایش انگیزه درونی و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان باشند. همچنین توجه به نقش معلم به عنوان مجری برنامه درسی و ارتقای توانمندی‌های حرفه‌ای او، از دیگر عوامل کلیدی در موفقیت برنامه‌های آموزشی است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان درسی در طراحی محتوای آموزشی، به نیازها و ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان دوره ابتدایی توجه بیشتری داشته باشند. همچنین استفاده از روش‌های تدریس فعال، ارزشیابی تکوینی و بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی می‌تواند به افزایش کیفیت یادگیری کمک کند.

برای معلمان نیز توصیه می‌شود از رویکردهای نوین یاددهی-یادگیری استفاده کرده و فرصت مشارکت فعال دانش‌آموزان را در فرآیند آموزش فراهم کنند. در سطح کلان نیز لازم است دوره‌های توانمندسازی حرفه‌ای برای معلمان در زمینه اجرای برنامه‌های درسی نوین طراحی و اجرا شود.

در نهایت، پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی تجربی و میدانی رابطه میان مؤلفه‌های خاص برنامه درسی و انگیزه تحصیلی در مقاطع مختلف آموزشی بپردازند تا درک دقیق‌تری از این روابط فراهم شود.

فهرست منابع

ایزدی، سجاد، کشاورزی، مهدی و واصفیان، فرزانه (۱۴۰۴). طراحی و اعتبار سنجی مدل برنامه درسی زائد از دید معلمان دوره ابتدایی، نشریه پژوهش و نوآوری در تربیت و توسعه، ۵(۲)، ۵۶-۷۲

بقائی، حسین، پاکدوست، نسرين، خضری زینب و برادری، نوشین (۱۴۰۳). بررسی کیفی عوامل موثر در افت تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی در شهرستان ارومیه، نشریه سلامت و آموزش در اوان کودکی، ۵(۱)، ۷۵-۹۰.

بهرامی، شهلا، ملکی، حسن و قادری، مصطفی (۱۴۰۵). شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های اساسی برنامه درسی آموزش صلح در دوره ابتدایی از دیدگاه متخصصان، پژوهش و نوآوری در تربیت و توسعه، ۶

توده رنجبر، محسن و عراقی، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی عوامل موثر در افت تحصیلی دانش‌آموزان و نقش انگیزش در پیشرفت تحصیلی، دستاورد های نوین در مطالعات علوم انسانی، ۸، ۱۰۱-۹۲.

توکلی، مرضیه، افکانه، صغری و قنبری، نسرين (۱۴۰۳). شناسایی عناصر برنامه درسی مبتنی بر ارکان طرح شهاب (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دوره ابتدایی)، پژوهش و نوآوری در تربیت و توسعه، ۴(۱)، ۷۸-۶۳.

درویشی، فیروزه (۱۴۰۴). نقش برنامه ریزی درسی مبتکرانه در کاهش افت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی، اولین همایش بین‌المللی نوآوری های فناورانه در آموزش و پرورش

درویشی زاده، محبوبه، حسینی، عذرا سادات، ملکی، فرزانه، قربانی و زهرا (۱۴۰۳). برنامه ریزی درسی و تاثیر آن بر کیفیت تدریس، اولین همایش بین‌المللی پژوهش های تحول آفرین افسران پیشرفت ایران

رحمانی، اکرم، رحمانی، مریم، معینی، محبوبه، افتخاری مقدم و نازنین (۱۴۰۴). پیش بینی کیفیت تدریس و عملکرد حرفه ای بر اساس سواد برنامه درسی معلمان، فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، ۶۹(۶)، ۱۰۰-۸۵.

روشنا، ابراهیم (۱۴۰۴). رابطه کیفیت برنامه های پرورشی با انگیزه تحصیلی دانش آموزان، هفتمین همایش بین المللی مدرسه تراز: طراحی، اجرا، ارزیابی و تضمین کیفیت

رومیانی، محمد رفیع (۱۴۰۴). نقش برنامه ریزی و روش های فعال تدریس بر عملکرد تحصیلی، چهارمین همایش ملی ایده های کاربردی در علوم تربیتی، روانشناسی و مطالعات فرهنگی

سالار، طاهره (۱۴۰۵). نقش برنامه ریزی در ارتقای کیفیت آموزش، یافته های علوم تربیتی و آموزشی، ۳(۱)، ۳۰-۴۲.

سیف، علی اکبر (۱۴۰۰). روان شناسی پرورشی نوین: روان شناسی یادگیری و آموزش (ویرایش هشتم). تهران: انتشارات دوران.

شاهی گنزق، مجید و مظفری، رضا و خالق خواه، علی (۱۴۰۴). بررسی تاثیر برنامه های آموزشی بر کاهش افت تحصیلی با نقش میانجی سبک های یادگیری (مورد مطالعه: دانش آموزان دختر ناحیه ۱ استان اردبیل)، اولین همایش ملی بهزیستی روانشناختی و آموزش،

شریعتمداری، علی (۱۳۹۸). روان شناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

عطایی یلمه، سارا (۱۴۰۴). بررسی تاثیرات برنامه های آموزشی بر کاهش افت تحصیلی دانش آموزان، بیست و هشتمین کنفرانس ملی روانشناسی علوم تربیتی و اجتماعی

قلی زاده قلعه عزیز، اشکان، وردی پور، جمال الله، فتح الله نژاد، عادل، قاسم زاده، علی و نقدی، محسن (۱۴۰۳). بررسی عوامل و موانع ایجاد انگیزه در دانش آموزان، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۷۷، ۵۴۳-۵۲۷.

قمی، مهین، مسلمی، زهرا، و محمدی، سید داوود (۱۳۹۸). ارتباط کیفیت تجارب یادگیری و خودنظم دهی با انگیزش تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۹(۸۲)، ۹-۱۹.

معصومی نژاد، رضا، فتحی آذر، اسکندر، محمودی، فیروز و ادیب، یوسف (۱۳۹۹). مؤلفه های آزادسازی برنامه درسی با تأکید بر نقش معلم، توسعه حرفه ای معلم، ۵(۴)، ۲۳-۱.

Alonso, R. K., Vélez, A., Martínez-Monteagudo, M. C., & Rico-González, M. (۲۰۲۳). Flipped learning in higher education for the development of intrinsic motivation: A systematic review. *Education Sciences*, ۱۳(۱۲), ۱۲۲۶

Su, Y., et al. (۲۰۲۳). A meta-analytic review of the relationships between autonomy support and positive learning outcomes. *Contemporary Educational Psychology*, ۷۵, ۱۰۲۲۳۵

Urhahne, D., & Wijnia, L. (۲۰۲۳). Theories of motivation in education: An integrative framework. *Educational Psychology Review*, ۳۵, Article ۴۵

مجله پیشروان علوم تربیتی و آموزشی